

پدیده انقطاع بین نسلی مانعی در توسعه و پیشرفت کشور

احد رضایان قیه باشی^۱، علیرضا رضایان قیه باشی^۲

چکیده:

آنچه که در این تحقیق در پی آن هستیم پاسخ به این پرسش است که چرا در جامعه ما انقطاع بین نسلی به وجود آمده و چه عواملی این انقطاع را تقویت می‌نمایند؟ در پاسخ به سؤال مذکور با مفروض گرفتن برخی ویژگی‌های محیطی و تاکید بر اینکه انقطاع بین نسلی منجر به تضعیف برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور خواهد شد فرهنگ سیاسی به ارث رسیده از دو برهه خاص تاریخی یعنی قبل و بعد از اسلام را عامل و تقویت کننده پدیده انقطاع بین نسلی در کنار عوامل طبیعی دیگر بر شمردیم و در پایان با ذکر اهمیت حضور نسل‌های جوان‌تر در کنار نسل‌های قدیمی تر بدین نتیجه رسیدیم که بدون غلبه بر شکاف بین نسلی به وجود آمده نمی‌توان سخن از توسعه و پیشرفت زد در راستای استفاده از توان و ظرفیت جوانان و نسل‌های جدید تر و برقراری تعامل با این نسل‌ها متذکر شدیم که می‌بایست از مکانیسم‌های کنترلی که نقاط ضعف نسل‌های جوان را تحت نظر داشته و برطرف می‌نماید می‌بایست بهره گرفت

انقطاع بین نسلی

انقطاع در لغت به معنای قطع رابطه کردن است و در اصطلاح به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن بین دو چیز و یا دو کس شکاف و فاصله به وجود می‌آید در تعریف نسل، اندیشمندان گفته‌اند که: به گروهی از افراد اطلاق می‌گردد که مرحله ای از حیات را با همدیگر آغاز نموده یا به پایان رسانده باشند گروهی که در یک زمان فارغ التحصیل می‌شوند گروهی که در یک زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند.

همچنین در تعریف دیگری گفته شده است که نسل عبارت است از:

گروهی از افراد که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند و موقعیت‌های تاریخی خاص و علایق خاص در سطح فردی و سیستمی آن‌ها را در جامعه متمایز می‌کند.

^۱. تربیت مدرس تهران، a.rezayan@yahoo.com

^۲. ar_rezayan@yahoo.com



در تعریف شکاف بین نسلی در فرهنگ آکسفورد و وبستر آمده است:

اختلافی در نگرش یا رفتار افراد جوان در مقایسه با سالمندان که موجب عدم فهم متقابل آن‌ها از یک دیگر می‌شود در فرهنگ وبستر نیز آن را به عنوان اختلاف گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف نموده‌اند

در اینجا می‌بایست توجه داشته باشیم که انقطاع یا شکاف بین نسلی متفاوت از گسست نسلی می‌باشد.

در پاسخ به چرایی به وجود آمدن انقطاع بین نسلی دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی مطرح شده است از جمله می‌توان به تحقیقات امیل دورکیم در قالب کارکرد گرایی، تحقیقات پارسونز در قالب نظریات کارکردی - ساختی، تحقیقات زیمل در قالب تئوری گذر از سنت به مدرنیته و تحقیقات مانهایم در قالب تئوری ساختاری - تاریخی اشاره نمود نقطه مشترک تمامی این نظریات فرایندی دیدن این انقطاع و بی توجهی به زمینه‌های ارادی این انقطاع می‌باشد آن‌ها با تاکید بر نوع جامعه و تحولات دنیای جدید و تغییرات در دنیای قدیم تلاش می‌کنند تا علت یا علل شکاف بین نسلی را در جامعه توضیح دهند اما هیچ توجهی به بسترها و زمینه‌های ارادی به وجود آورنده انقطاع ندارند. بر این اساس در تحقیق حاضر ضمن توجه به زمینه‌های طبیعی به وجود آورنده شکاف بین نسلی تلاش خواهیم نمود تا با زمینه جدیدی که ما در تحقیق خود از آن به عنوان یکی از دلایل مهم به وجود آمدن انقطاع بین نسلی یاد می‌کنیم آشنا گردیم اعتقاد ما بر آن است که این عامل باعث تقویت انقطاع طبیعی و در نتیجه بیشتر شدن شکاف و حاکمیت جو بی اعتمادی و در نتیجه عدم مشارکت نسل جدید در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و پیشرفت کشور و در نتیجه عدم تحقق نقشه توسعه و پیشرفت در جامعه می‌گردد در عین حال باعث از هم گسیختگی اجتماعی در فردای پس از نسل قبل و همچنین مقاومت نسل جدید در مقابل برنامه‌های نسل قبل می‌گردد. از این رو شناخت این علت بسیار حائز اهمیت است.

چگونه انقطاع بین نسلی در جامعه به وجود می‌آید؟

همانطوری که از تعاریف ارائه شده بر می‌آید با تغییر از یک نسل به نسل دیگر و با به وجود آمدن شرایط و ضوابط جدید و محیط جدید، الزامات محیط جدید منجر به تغییر نگرش و رفتار و کردار افراد می‌گردد اغلب نسل‌های مسن تر در مقابل این تغییرات مقاومت نشان می‌دهند اما نسل‌های جدید به خصوص در شرایطی که جامعه خود مولد شرایط و ضوابط جدید و به عبارتی محیط جدید نباشد بدون توجه به مقاومت نسل‌های مسن تر در برابر محیط جدید از خود انعطاف و نرمش نشان

می‌دهند بنابراین زمینه‌های بیشتر فرایندی انقطاع بین نسلی، تحت تأثیر عوامل داخلی و عوامل بین المللی است و دولت‌ها کمتر قادر به کنترل این زمینه‌ها هستند.

اما این انقطاع عادی (حاصل محیط جدید) زمانی شکل غیر عادی به خود می‌گیرد که دو دسته از عوامل دست به دست هم دهند تا زمینه‌های جدایی و شکاف بیشتر را فراهم نمایند

۱- بروز جو بی‌اعتمادی تحت تأثیر فرهنگ سیاسی - که حاصل این بی‌اعتمادی عدم مشارکت دادن نسل جدید در مدیریت کشور و به تبع آن بی‌اعتنایی و در برخی موارد مقاومت نسل جوان در برابر برنامه‌های نسل قبلی خواهد بود-

۲- به وجود آمده تضادهای آشکار در فرهنگ و بخصوص ارزش‌های جامعه - که این عامل نیز بستر را بیشتر برای حاکمیت جو بی‌اعتمادی و برخورد فراهم خواهد کرد-

برای پاسخ به این سؤال که چرا و چگونه در جامعه انقطاع بین نسلی به وجود می‌آید و چه عواملی این شکاف و انقطاع را تشدید می‌کنند لازم است تا ضمن تاکید بر محیط جدید و شرایط جدید (انقطاع عادی) بر بحث فرهنگ سیاسی جوامع نیز توجه نماییم.

هر جامعه تحت تأثیر زبان خاص، محیط خاص، ملت خاص و آداب و رسوم خاص دارای فرهنگ سیاسی خاصی می‌باشد فرهنگ سیاسی یک امر تاریخی است یعنی با گذشت زمان و شکل‌گیری هویت خاص شکل می‌گیرد این فرهنگ سیاسی بعدها بر روی افراد نسل‌های بعد نیز تأثیر می‌گذارد و رفتار و کنش فردی و جمعی آن‌ها را کنترل می‌نماید و بیشتر به صورت یک مکانیسم کنترلی عمل می‌نماید.

انقطاع بین نسلی و تأثیر فرهنگ سیاسی

در بررسی تاریخی فرهنگ سیاسی ایران دو نقطه عطف مرتبط با این فرهنگ سیاسی می‌توان شناسایی نمود اولی مهاجرت اقوام آریایی و دومی نفوذ اسلام و فرهنگ اسلامی به این سرزمین‌ها است این دو در برهه‌های خاصی باعث به وجود آمده فرهنگ سیاسی خاصی - که کنترل کننده رفتار و تبیین کننده تحولات آن بوده است - شده اند آنچه که ما امروزه از آن تحت عنوان فرهنگ سیاسی کشور ایران یاد می‌کنیم در حقیقت حاصل برهمکنش دو فرهنگ اسلامی و ایرانی است.

با مطالعه تاریخی این دو فرهنگ می‌توانیم پاسخ مناسبی برای پرسش خود یعنی " فرهنگ سیاسی چگونه موجب تقویت و زمینه سازی انقطاع بین نسلی گردیده است؟ بیابیم از این روی می‌توان عنوان نمود که همواره چه در زمان غلبه فرهنگ آریایی از زمان هخامنشیان تا ساسانیان و چه در زمان غلبه فرهنگ اسلامی از غزنویان تا اواخر قاجاریه نگاه پدر سالاری و ریش سفید محوری در جامعه ایرانی غلبه داشته است فرهنگ عربی - اسلامی نفوذ یافته به داخل جامعه ایرانی مصداق واقعی ریش سفید



سالاری و قبیله‌گرایی است با اینکه این فرهنگ مخالف کردار معصومین است اما نفوذ آن در دستگاه‌های خلافت و پادشاهی امری غیر قابل اغماض است همچنین حکومت‌های امپراتوری و پادشاهی هخامنشی و ساسانی نیز مملو از موارد و حاکمیت ریش سفیدان در دستگاه‌های اداری آن‌ها است.

همین میراث شوم به صورت تقریباً دست نخورده - البته با کمی تغییر وارد جامعه ما هم شده است بطوری که با بررسی‌های صورت گرفته به کمک شاخص میانگین سنی مشخص گردید که چه در دوره حکومت خاندان پهلوی و چه پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با سیر سعودی میانگین سنی افراد، جهت تصدی سمت‌های بالای مدیریتی مواجه بودیم یعنی حتی زمانی که طی انقلاب یا شورش و یا هر اتفاقی که منجر به تغییر و تحول اساسی در حکومت‌ها می‌شد علی‌رغم اینکه غالباً هسته اولیه حومت‌های جدید را افراد جوان‌تر تشکیل می‌دادند اما رفته رفته دوباره همان فرهنگ ریش سفید سالاری در جامعه حاکم و جوانان دیروز بجای جوانان امروز نیز حکومت می‌کردند.

انقلاب اسلامی و تداوم فرهنگ سیاسی انقطاع کننده

همین فرهنگ غلط را در فردای پس از انقلاب اسلامی ایران نیز می‌توان به وضوح مشاهده نمود جوانانی از جنس مردم علیه حکومت نا کارآمد پهلوی دست به شورش و انقلاب می‌زنند همین جوانان در حکومت جدید سمت‌های بالای حکومتی را از آن خود می‌کنند میانگین سنی کسانی که پست‌ها و سمت‌های مهم حکومتی و مدیریتی و حتی نظامی کشور را در دست می‌گیرند ۳۵ - ۴۵ است عبارتی حتی جوانان ۲۰ الی ۳۰ نیز در میان آن‌ها وجود دارد اکثر فرمانداران و میران بالای استانی دارای میانگین سنی کمتر از ۴۵ هستند و عبارتی نسل انقلاب یا همان دو نسل انقلاب کننده که در آن برهه بین ۲۰ الی ۴۰ سال سن دارند حکومت و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرند. الان در سال ۱۳۹۱ انقلاب اسلامی ایران چهارمین نسل خود را می‌بیند آن‌ها کوچک‌تر از آن هستند که داعیه پست و حکومت داشته باشند اما سه نسل قبل تر از آن‌ها وجود دارند که تشنه توجه و اعتمادند.

وقتی انقلاب به پیروزی رسید دو نسل جدید که کمتر از ۲۰ سال سنشان بود در جامعه خود را آماده جایگزینی و پذیرش مسولیت‌ها و تکالیف جدید می‌نمودند آن دو نسل آلان ۳۰ الی ۵۰ سال سن دارند و نسل بعد از آن دو نسل در حال حاضر ۳۰ ساله شده است و همین طور نسل‌های بعدی که آموزش‌های لازم را در جامعه دیده و آماده‌اند تا با مکانیسمی وارد مسولیت‌های جدید شوند، اما دریغ از اینکه هنوز فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی همان فرهنگ ریش سفید سالاری است که به این راحتی دست از قدرت و غلبه بر نخواهد داشت شاید بهترین فرهنگ سیاسی برای جایگزینی



نسل‌ها در سیستم مدیریتی کشور فرهنگ اسلامی باشد چرا که ملاک مدیر بودن در آن فرهنگ نه اینکه سن و تیر و طایفه باشد بلکه تخصص و تعهد است.

نسل‌های جدید و لزوم مشارکت آنان

به تحقیق جوان نیروی اصلی دگرگونی اجتماعی است ارتقای مشارکت جوانان در تحولات اجتماعی، زمینه ساز ایفای رسالت آنان در تأمین آینده پیشرفت کشور است. در طراحی و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توجه به نقش تحول آفرین جوانان اجتناب ناپذیر است (شعار نخستین کنگره پیشگامان پیشرفت ۱۳۹۱ خردادماه).

بر این اساس نسل جدید می‌بایست جایگزین نسل قبلی شود تا امر تداوم برنامه‌ها در راستای پیشرفت و توسعه کشور تضمین گردد. لزوم جایگزینی نسل جدید با گسترش روزافزون فن آوری‌های اطلاعاتی و تکنولوژی‌ها، بیش از پیش احساس می‌گردد چرا که مبدع این تکنولوژی‌ها و فن آوری‌ها نسل‌های جوان هستند.

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل جوان یا نسل جدید عبارت‌اند از:

۱- کم تجربه بودن ۲- خلاق بودن ۳- انگیزه بالا داشتن ۴- توان بالای جسمی و روحی ۵- متفاوت از نسل گذشته بودن

درست است که جوان امروز کم تجربه است اما می‌بایست ژذیرفت تا زمانی که زمینه برای حضور آن‌ها فراهم نکنیم هرگز و حتی در سن ۹۰ سالگی نیز تجربه لازم را نخواهند داشت اگر قرار باشد کم تجربگی را علیه نسل جدید به پیراهن عثمان بدل کنیم نه تنها نباید انتظار داشته باشیم در شرایط سخت حامی ما باشند بلکه می‌بایست منتظر انقطاع خود خواسته‌ای که ما را رودر رویی هم قرار خواهد داد باشیم.

بنابراین فرهنگ سیاسی نا متناجس با جامعه فعلی در صورتی که اصلاح نگرده منجر به تقویت شکاف بین نسلی و در نتیجه توقف برنامه‌های توسعه و پیشرفت در کشور خواهد شد

اما برخی از افراد معتقدند که تفکر مدرن نسل جدید - که بر مبنای مادی‌گرایی و ارزش‌های سکولاریستی است - مانع از به وجود آمدن تعامل و توافق میان نسل‌ها شده و در نتیجه عامل انقطاع نسلی الگوپذیری اشتباه، بخشی از نسل جدید و تبلیغات غیر دینی و عمدتاً مادی‌گرایانه مخالفین مذهب است - که چون منجر به تغییر در ماهیت فکری برخی از افراد شده است - بنابراین نسل قبلی نمی‌تواند تعامل لازم را با نسل جدید برقرار نماید.

در پاسخ به این نظر و دیدگاه نیز می‌بایست عنوان نمود که اولاً ما نمی‌توانیم کم کاری فرهنگی خود را با انقطاع حاصل کردن از نسل جدید درمان نماییم و ثانیاً ما می‌بایست با تعبیه کردن مکانیسم‌های متناسب با فرهنگ خودمان دست به گزینش افراد متخصص و متعهد بزینم بعبارتی آنچه که مهم است حضور نیروی جوان و نسل جدید در سیستم مدیریتی کشور است.

منابع مورد استفاده:

- ۱- انگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، نشر کویر
- ۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی
- ۳- کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات دبیرخانه نشست

